

<b>روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی</b> <p>صاحب‌امتیاز:مهرداد بذریاش</p> مدیرمسئول:محمد آخوندی سردبیر:رضا شکیبایی
<div><div><div><div><div><div><span></span></div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div><div><span></span></div></div></div><div><div><div><span></span></div></div></div></div></div></div> <div>نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر*<div>کوچه سعید، پلاک ۹</div></div>
روابط عمومی:۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه:۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر:۶۶۴۱۳۱۳۷ پیام‌گیر:۶۶۴۱۳۹۴۲
سازمان آگهی‌ها:۶۱۰۸۶۱۶۳
پست الکترونیک: info@vatnenrooz.ir
چاپ:شرکت رواق روشن مهر

افق
<div> <div><div><span><span> </span></span><span> </span>اذان ظهر: ۱۲:۱۱</div></div> <div><span><span> </span></span><span> </span>غروب آفتاب: ۱۷:۰۸</div> </div>
<div> <div><div><span><span> </span></span><span> </span>اذان مغرب: ۱۷:۲۸</div></div> <div><span><span> </span></span><span> </span>نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۷</div> </div>
<div> <div><div><span><span> </span></span><span> </span>اذان صبح فردا: ۵:۴۶</div></div> <div><span><span> </span></span><span> </span>طلوع آفتاب: ۷:۱۴</div> </div>

کلام نور
----------

<span><b>هر که کار زشتی را تحسین و تأیید کند در عقاب آن شریک می باشد</b></span> <p><b>امام جواد<sup>(ع)</sup></b></p>
---

آتم ارزوست/۱۷۰
----------------

<span><b>غرور در کار گزاران نظام</b></span> <p>▪<span> </span>حجت‌الاسلام‌و‌المسلمین سیدسعید لواسانی* ▪<span> </span></p> <div><div><div><span><span> </span></span><span> </span>بحث ما درباره گروه‌هایی بود که گرفتار یکی از جلوه‌های خطرناک نفس شده‌اند و آن عبارت است از غرور. غرور بلیه‌ای است که اگر در وجود</div></div></div>
--

ما معالجه نشود، موجب هلاکت ما خواهد شد. منظور ما از غرور آن است که انسان فریب نفس و شیطان را بخورد و نوعی حالت سکون و آرامش به وضع و حالتی که دارد، پیدا کند و خلاصه به وضع خود راضی باشد و نگران حال خود در پیشگاه خدا نباشد. اما گروه ششم از مغروران، کارگزاران و مسؤولان حکومتی هستند، از پایین‌ترین درجه دولتی تا بالاترین آن و در همه قوا و مراکز دولتی و قضایی و نظامی و انتظامی و قوه مقننه و نهادهای انقلابی و خلاصه! هرکسی که در حکومت دستی دارد.

نخست توجه به این نکته ضروری است که یکی از مشکلات بزرگ نظام دولتی و حاکمیتی ما توجه بیش از حد به کمیت و تهی شدن از کیفیت است. تورم بسیار کارمند و مدیر در نظام دولتی معضلی است که عملاً آن را فلج کرده است. طبق آمار جمع مدیران دولتی در ایران ۴۰۰ هزار نفر است. این درحالی است که ژاپن با جمعیتی به مراتب بیش از ما ۱۲۸ میلیون جمعیت! کلاً ۴۰۰ هزار کارمند دارد! همین باعث شده است چرخه بروکراسی در ایران بسیار پیچیده و کند شود و متأسفانه با فساد اداری و انواع تخلفات همراه باشد. این بحث مهمی است، اما فعلاً به آن کاری نداریم.

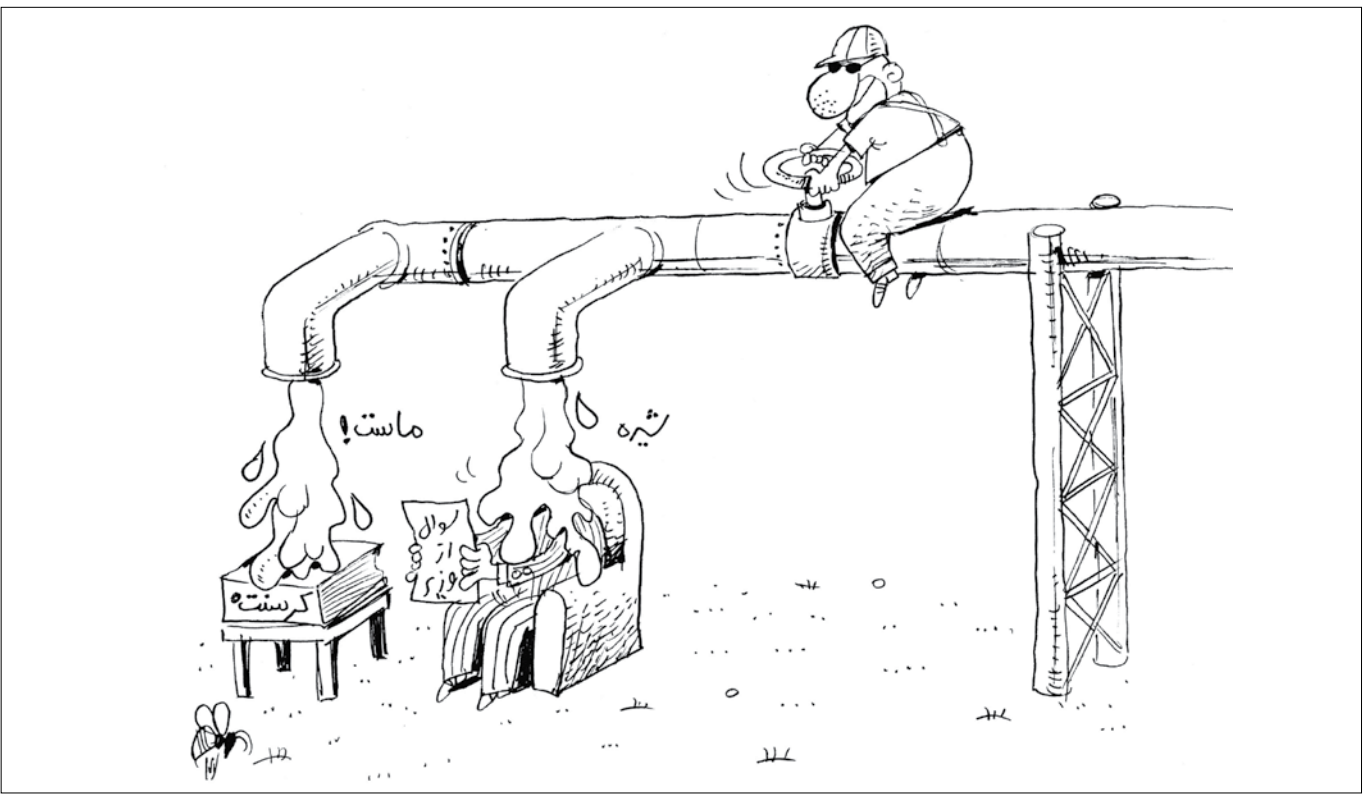
روی سخن ما با مدیران و کارگزاران نظام در هر مرتبه‌ای است. مدیر و مسؤول در هر رده‌ای به نوعی مورد توجه مردم و مراجعه آنان است. همین امر باعث می‌شود- اگر خودساخته نباشد- گرفتار خودشیفتگی و تکبر و غرور شود و خود را محور و بالاتر از دیگران بداند. به مردم اهمیت ندهد و آنان را عوام داند و خود را تافته‌ای جداییافته بندارد. بویژه نسبت به محرومان و طبقات ضعیف حالت تحقیر و تمسخر داشته باشد. به مشورت- جز با تعدادی محدود از کسانی که او را ستایش می‌کنند- تن در ندهد. به قدرت دل‌بسته و برایش جذاب باشد و آن را چون طعمه‌ای ببیند که چندروزی در اختیار او است و باید بهره خود را از آن ببرد. چنین مدیری دلش به انسان‌های چاپلوس می‌سیارَد و از انتقاد بدش می‌آید بلکه لجاجت دارد و بر اشتباهات خود خیرخواهان می‌زند. درشت‌خو یا خیرخواهان ناصح برخورد می‌کند اما در مقابل برابر دشمنان و دوستان چاپلوس نرم است! وعده می‌دهد اما به وعده‌های خود پایبند نیست. از هوا و هوس اجتناب ندارد بلکه خواهش‌های حقیر نفسانی بر او حاکم است و آرزوهای دور و دراز شخصی دارد. به این دلیل همواره بین افراط و تفریط سرگردان است و کارهای کوچک خود را بزرگ می‌پندارد اما کارهای بزرگ رقیب خود را تحقیر می‌کند و به هیچ می‌انگارد. برای او دسته‌بندی‌های جناحی و باندی مهم‌تر از مصالح دینی و کشور است. رفیق‌باز و قوم‌گراست و مصالح صاحبان ثروت و قدرت را مقدم بر عدالت و مصالح عمومی می‌داند. هر جا بین رضای خاندان متعال و رضای مردم و گروه‌هایی که امکانات دارند، تعارضی دید، خشنودی آنان را بر رضایت خدا ترجیح می‌دهد. نسبت به کشور و مردم و آینده آن بی‌مسئولیت است. او در ظاهر مومن است، به‌گونه‌ای که خود را مومن می‌پندارد و این از فریب‌های نفس است که به خود و کارهای خود علاقه‌مند است اما در حقیقت باور قلبی به اصول و فروع دین ندارد. یعنی کارهایش فی سبیل‌الله نیست بلکه برای جلب رضایت نفسانیت خودش است.

همه این امور که بیان شد و چه بسا اموری که بیان نشده، از مصادیق غرور است که متأسفانه برخی مدیران و کارگزاران نظام گرفتار آن هستند. به خود و دور و بر خود نگاه کنیم؛ چرا گروهی از کارگزاران نظام گرفتار رفاه‌زدگی شده‌اند و به تجمل‌گرایی روی آورده‌اند؟

ادامه در صفحه ۱۲

■ زنبور

**یک نماینده مجلس: وزیر نفت با ادعای این که دوماهه قضیه پرونده کرست را حل می‌کنم رای گرفت**



■ ماجرا

**نگاهی به معاهدات و امتیازات خارجی ایران در ۲ قرن منتهی به انقلاب اسلامی- ۲**

## امتیازات فتحعلیشاهی

- امیرحسین صفایی

دو‌ها سال احساس سرخوردگی را برای مردم ایران انحطاط، وابستگی و بی‌خردی همراه نمی‌توان کرد. تا پیش از برآمدن این سلسله که در سال ۱۱۷۴ هجری قمری رخ داد، هنوز بودند شاهان و حاکمانی که به‌رغم کاستی‌ها و ستمگری‌ها، دست‌کم به اندک چیزی اقتدار ایران و دولت خویش را روی میز معامله چوب حراج نمی‌زدند. تا پیش از آن در دوران‌هایی نظیر صفویه و افشاریه دامنه جولان و تأثیر ملت و حکومت ایران را گاه از دهلی تا دریای سیاه می‌توان دنبال کرد. در آن روزها هنوز قدرت‌های رو به صعود جهانی و منطقه‌ای نگاهی از سر احترام به سرزمین پارس داشتند و ایران را عرصه‌ای بی‌نگاهبان برای تاخت و تاز خود نیافته بودند.

■ **سعود قاجار**

با مرگ کریم‌خان زند در شیراز، آغامحمدخان قاجار پس از چند جنگ موفق شد سلسله زندیه را از میان بردارد و خود تاج‌شاهی بر سر نهاد. از موفقیت‌های قاجار که تا حدودی توانست استقرار

نسبی به آن ببخشد، پایان دادن به جنگ‌های داخلی ایران و به فرمان درآوردن حکومت‌های استانی و محلی بود که در آن برهه، اعتبار و مقبولیت نسبی را برای حکومت در بی‌داشت اما هم‌زمان با تحولات داخلی ایران در آن سال‌ها، قدرت‌های جهانی که رشد صنعتی و نظامی پرشتایی را تجربه می‌کردند با هدف دسترسی به منابع کشورها، سیاست‌های استعماری خود را به فراخور هر کشور سامان می‌دادند. روسیه تزاری و بریتانیا به‌عنوان ۲ قدرت برتر آن روزگار هر یک اهداف خود را در ایران دنبال می‌کردند و رقابتی شدید و پرافت و خیز داشتند.

ایران در دوران مورد اشاره از ۲ زاویه مورد توجه این دو قدرت استعماری بود. نخست به سبب منابع سرشار روزمینی و زیرزمینی و دیگر به دلیل موقعیت راهبردی در جغرافیای منطقه غرب آسیا. انگلیسی‌ها که هند را کاملاً در چنگ خود داشتند در واقع ایران را دروازه هندوستان می‌دیدند که به واسطه حضور در آن می‌توانستند هند را از دست‌اندازی رقیبان حفظ و در حیاط خلوت خود دوران آسوده‌ای را تضمین کنند. روس‌ها نیز با همین نگاه می‌کوشیدند تا گسترش نفوذ خود در ایران، ضمن تحدید عرصه مانور انگلیسی‌ها، گوشه چشمی نیز به مستعمرات شرقی آنان داشته باشند. حال تصور کنید ایران رها شده در میانه میدان تاخت و تاز این دو قدرت سیری‌ناپذیر چه وضعیتی می‌تواند داشته باشد؟ دولتمردان قجری در این مختصات سیاسی توصیف شده به جای تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و امتیازگیری از دو طرف کاملاً به عکس عمل می‌کردند و می‌کوشیدند با اعطای امتیازات عجیب و غریب، هر دو طرف را راضی نگه دارند. در این هم‌افزایی تاسفبار استعمار و وابستگی بود که دوران طولانی انحطاط قجری و پهلوی در ایران آغاز شد.

■ **جنگ‌های ایران و روسیه**

سلسله جنگ‌هایی که در سال‌های ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ و ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ هجری قمری در منطقه قفقاز میان ایران و روسیه صورت گرفت، از دو دیدگاه قابل بررسی است. این برهه از زاویه غیرت دینی و ملی مردم ایران یکی از درخشان‌ترین حماسه‌ها در برابر اشغال کشور به شمار می‌آید که طی سالیان طولانی یاد شده با بسج عمومی متأثر از فتوای جهاد علما و مراجع تقلید روحیه مقاومت و دشمن‌ستیزی قهرمانانه ایرانیان را به نمایش گذاشت. مردم ایران به‌رغم امکانات محدود و عدم پشتیبانی کامل از سوی دولت مرکزی سال‌ها با تسلیحات ابتدایی برابر ارتش قدرتمند روسیه ایستادگی کردند. اما آنچه در عمل رقم خورد «شکست» بود. این شکست که تا

### صفحهٔ آخر

شنبه ۲۰ دی ۱۳۹۳

لوموسی	۲۵ / ۱۴	اسبستان	۲۱ / ۶
آذرشرقی	۷- / <b>اصفر</b>	فارس	۱۶ / ۳
آذربئی	۲ / -۹	قزوین	۴ / -۸
اردبیل	۱۳- / -۵	قم	۷ / -۴
اصفهان	۱۱ / -۱	کردستان	۳ / -۷
ایبز	۵ / -۷	کرمان	۱۶ / -۳
ایلام	۵ / -۴	کرمانشه	۴ / -۱
بوشهر	۱۹ / ۹	تهکلیویه	۵ / -۴
تهران	۴ / -۱	گلستل	۴ / -۳
چهارمحل	۳ / -۱۵	گیلان	صفر / ۲
خراسان ج	۱۶ / ۱	ارستان	۸ / ۱
خراسان ر	۳ / -۳	مازندران	۹ / ۱
خراسان‌ش	۱ / -۸	مرکزی	۲ / -۸
خوزستان	۲۰ / ۱۰	هرمزگان	۲۵ / ۱۴
زنجان	۲ / -۵	همدان	۲ / -۸
سمنان	۸ / -۲	یزد	۱۴ / ۱

تقویم تاریخ
-------------

■ **شهادت‌میرزامحمدتقی‌خان امیرکبیر در کاشان به دستور ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۳۰ش)**

میرزا محمدتقی‌خان امیرکبیر در حدود سال ۱۸۷۱ش در روستای هزله در اراک به دنیا آمد. وی پس از طی مراحل پیشرفت و ترقی علمی و سیاسی به صدراعظمی حکومت ناصرالدین شاه قاجار برگزیده شد و در طول ۴ سال صدراعظمی خویش خدمات شایسته و فراوانی به ملت و حکومت کرد. اصلاح امور مالی، سر و سامان دادن به وضع ارتش، تلاش در رواج خودکفایی ملی، گسترش فعالیت‌های علمی و تأسیس مؤسسات آموزشی (مانند دارالفنون تهران)، مبارزه با عقاید و انحرافات مذهبی، بی‌اعتنایی به خواسته‌ها و تهدیدات قدرت‌های خارجی و قطع دست‌یادی و جاسوسان استعماری، از جمله فعالیت‌ها و تلاش‌های پیگیر او در این ایام بود. سرانجام با جوسازی و شایعه‌پراکنی دولت‌های استعماری و یادی داخلی آنان علیه‌امیرکبیر، ناصرالدین‌شاه‌وی را از صادرات خلع کرده و فقط عنوان فرامنده کل قشون را برای او باقی گذاشت. چند روز بعد او را به حکومت کاشان منصوب کرد و امیرکبیر را به طرف کاشان حرکت دادند که در حقیقت او را تبعید کردند. آنگاه تمام عناصر مخالف داخلی و خارجی که در زمان صدارت امیرکبیر در کمین نشسته بودند، ارتس تغییر نظر شاه و عقو‌امیر کبیر، دست به دست هم دادند و حکم قتل او را از شاه گرفتند. سرانجام این صدراعظم لایق و باکفایت، در روز جمعه ۲۰ دی‌ماه ۱۳۳۰ش برابر با ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ق در ۴۳ سالگی به شهادت رسید و بدنش را در کربلا به خاک سپردند.

■ **آغاز بنای مسجدالنبی در مدینه‌الرسول به دست مبارک پیامبر اکرم و یاران (ق)**

پس از ورود حضرت محمد(ص) به مدینه، ایشان دستور ساخت مسجد را صادر کرده و با کمک مهاجرین و انصار، شروع به بنای آن کردند. دیوار مسجد از سنگ و آجر و سقف آن از چوب درخت بود و در کنار مسجد اتاق‌های پیامبر(ص) و برخی از اصحاب وی قرار داشت. رسول گرامی اسلام از مسجد نه‌تنها برای انجام عبادت بلکه جهت برگزاری امور قضاوت، مجالس مشورتی، آموزش‌های فنی و حل و فصل دیگر امور مسلمانان استفاده می‌کردند به همین دلیل این مسجد اهمیت فوق‌العاده‌ای برای مسلمانان داشت.

■ **انتشام نخستین روزنامه چاپی جهان در ایتالیا(۱۶۸۳م)**

اولین روزنامه خبری جهان به نام گازتا در دهم ژانویه سال ۱۶۵۳م در شهر ونیز ایتالیا چاپ و منتشر شد. از آنجا که بهای هر نسخه از این روزنامه برابر با یک «هازتا» یعنی واحد پول ونیز بود، این روزنامه نیز به همین اسم موسوم شد. این نام بعدها در سایر کشورهای که روزنامه در آنها منتشر شد، متداول و لغت گازتا با واژه روزنامه مترادف شد.

■ **تشکیل «جامعه ملل» در ژنو پس از جنگ اول جهانی (۱۹۲۰م)**

جامعه ملل نخستین سازمان بین‌المللی است که بعد از جنگ اول جهانی به موجب پیمانی ۱۴ ماده‌ای که بخشی از پیمان صلح «ورسای» بود، با عضویت اولیه ۱۸ و سپس ۴۵ کشور در ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰م تشکیل شد. در آغاز فعالیت جامعه ملل، کشورهای افریقایی و آمریکا و شوروی به آن ملحق نشدند و دولت‌های انگلیس و فرانسه نیز تنها از آن پشتیبانی می‌کردند. منشور جامعه ملل، اعضا را متعهد می‌کرد که روابط خود را براساس احترام متقابل به یکدیگر استوار کنند و علیه تجاوز به استقلال و تمامیت ارضی‌شان، اقدام کنند. همچنین برای انقاض منشور، مجازات‌هایی در نظر گرفته شده بود. پس از روی کار آمدن هیتلر، آلمان در سال ۱۹۳۳م جامعه ملل را ترک گفت و این نخستین گام او در شانه خالی کردن از انجام تعهدات پیمان صلح ورسای بود. جامعه ملل با ناپاکی و چکش‌کاری ایتالیا به حبشه و تجاوز آلمان به اتریش و چکسلواکی و نیز تجاوز ژاپن به چین و هجوم شوروی به فنلاند، به‌تدریج اعتبار خود را از دست داد و کشورهای متجاوز برای اینکه تعهدی در قبال جامعه ملل نداشته باشند به‌تدریج آن را ترک گفتند. در جریان جنگ دوم جهانی، جامعه ملل عملاً به حال تعلیق درآمد تااینکه پس از جنگ دوم جهانی، در ۱۹ آوریل ۱۹۴۶م منحل شد و سازمان ملل متحد جایگزین جامعه ملل شد. هرچند هنوز هم برخی از مشکلات ساختاری جامعه ملل همچنان دائمگیر سازمان ملل متحد نیز هست.

صحنه‌اشغال ایران در ترکمانچایبه قلم یک نقاش روس

در ادامه به بررسی مختصر ویژگی‌های شخصیتی و فکری فردی خواهیم پرداخت که از نسوی ایران مأمور گفت‌وگو و مذاکره در این قراردادها بود. وابستگی فکری و سیاسی و شیفتگی در برابر غرب برجسته‌ترین خصلت میرزا ابوالحسن ایلیچی است تا جایی که خود نیز با ابیی از اعتراف به آن تدارک.

■ **میرزا ابوالحسن ایلیچی که بود؟**

بسیاری از مورخان میرزا ابوالحسن ایلیچی را از نخستین فراماسون‌های ایران می‌دانند. او از خاندان میرزا ابراهیم‌خان کلاتر یهودی بود که به صورت سنتی قدرت دیوانی فراوانی در دولت‌های ایران داشتند. میرزا ابوالحسن سال‌ها در دوران دیپلماتیک را در دولت ایران در اختیار داشت که از آن جمله می‌توان به سفارت ایران در چند کشور اروپایی اشاره کرد. جالب اینجاست که وی درست در میانه جنگ‌های ایران و روس در ۲ دوره سفیر ایران در انگلستان بود که در بازگشت از ماموریت سفارت نقش خود را در امضای معاهدات گلستان و ترکمانچای ایفا کرد. نکته درآورد در این دو عهدنامه این است که نماینده ایران (میرزا ابوالحسن ایلیچی) تقریباً هیچ امتیازی در قبال امتیازات داده شده از طرف مقابل کشور دریافت نکرده است.

او در سال ۱۲۲۴ ه‍.ق به فرمان فتحعلی‌شاه به‌عنوان سفیر ایران راهی لندن شد و از همان ابتدا تحت تأثیر جنبه‌های مادی تمدن غرب قرار گرفت و با شگفتی به سیر و سیاحت در آن کشور پرداخت. کتاب «حیرت‌نامه سفر» نوشته او از سرگذشت این سفر و واقع سیر احوالات دلدادگی و شیفتگی نسبت به تمدن مادی است. به این اعتبار او را می‌توان اولین مأمور سیاسی سفرنامه‌نویس ایران نیز دانست. بررسی کامل ابعاد فکری و شخصیتی میرزا ابوالحسن البته خود مجال دیگری را می‌طلبد اما مروری بر برخی بخش‌های کتاب «حیرت‌نامه سفر»ای می‌تواند شناخت خوبی از ابعاد ضعف فکری او در برابر غرب در اختیار قرار دهد. در بخش آتی از ستون «ماجرا» در ادامه بررسی روند توافقات و معاهدات خارجی ایران مطالعه بیشتری بر شخصیت میرزا ابوالحسن ایلیچی و «حیرت‌نامه» وی خواهیم داشت.

<sup>[1]</sup> او در سال ۱۲۲۴ ه‍

<sup>[2]</sup> او در سال ۱۲۲۴ ه